

بررسی قابلیت‌ها و مشکلات بنگاه‌های زودبازده و کار آفرین

◀ دکتر هوشنگ شجری
◀ دکتر علیرضا شیروانی
◀ لیدا مسعودی



مقدمه:

جوانان به ویژه آنان که در پی یافتن کاری وارد بازار کار شده‌اند، را جلب کرده است. مفهوم واحدهای زودبازده تا حدود زیادی برای آنان که دستی در بازار اقتصاد دارند، روشن است.

بنگاه‌های زودبازده، واحد و کارگاهی است که نیاز به سرمایه اندک، فناوری، ابزار و لوازم نه چندان پیچیده و پیشرفته دارد که در عین حال به سهولت و با قیمت ارزان به دست می‌آید و نیروی انسانی محدود که از حداقل مهارت برخوردار باشند و با استفاده از مجموعه ابزار و وسایل یاد شده و در فضای کسب و کار مناسب، محصول و بازده مورد نظر در مدتی اندک حاصل و وارد بازار می‌شود و سرمایه‌ای که در راه تولید به کار رفته، مدت زمان زیادی در چرخه تولید نخواهد ماند و مجدداً محصولات به دست آمده در بازار تبدیل به سرمایه شده و بار دیگر در رشته‌ای از صنعت و حرفه زودبازده به کار می‌رود. (همدانی: ۱۳۸۶، ۳۹)

توجه به بازار کار ایران و ویژگی‌های جمعیتی این کشور مطالعه بر روی بازار کار و فرصت‌های اشتغال‌زایی را برای حل معضل بیکاری بیش از پیش پر اهمیت‌تر می‌کند. یکی از راه‌های قابل تامل در چنین شرایطی اتکاب به طرح‌های زودبازده و کار آفرین است. در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به کوچک‌سازی شده و روند بنگاه‌های کوچک و متوسط به طور بالایی افزایش یافته است. بنگاه‌های کوچک و متوسط استخوان بندی اقتصاد و صنعت هر کشوری را تشکیل می‌دهد.

مفهوم بنگاه‌های زودبازده

چندی است پدیده جدیدی وارد ادبیات حقوق کار و روابط صنعتی شده است. این پدیده "بنگاه‌های زودبازده" است که توجه بسیاری از

باتوجه به اینکه صنایع کوچک و متوسط بطور معمول بیشتر از صنایع بزرگ به تامین کنندگان محلی وابسته هستند در نتیجه آنها بطور غیرمستقیم باعث ایجاد فرصت شغلی می شوند

مدیریت او نیز به طور مستقل انجام خواهد شد.

- تأمین سرمایه و در اختیار داشتن مالکیت توسط یک یا چند نفر محدود انجام بگیرد.

- محدوده فعالیت این صنعت محلی خواهد بود، هر چند که بازار آن لزوماً محلی نیست.

- کوچکی یک بنگاه یا کسب و کار و مقایسه آن با همتایان بزرگتر، به لحاظ ضرورت در یک رشته فعالیت مفهوم خواهد داشت. (فیض بخش: ۱۳۸۲، ۴۳)

تعریف کلارک: ویژگی مشخص بنگاه‌های کوچک و متوسط این است که در این بنگاه‌ها تصمیمات عمده معمولاً به وسیله یک یا دو نفر که هم مالک و هم مدیر هستند، گرفته میشود و خودشان ریسک مالی را متقبل می شوند. (کلارک: ۱۹۷۲، ۱۵)

تعریف عمومی بانوک: بنگاه‌های کوچک سهم کوچکی از بازار را دارند، مدیریت آنها به وسیله ما امکان آنها صورت می گیرد. به طور میانگین مدیریت ساختاریافته‌ای ندارند و شاخه‌ای از شرکت‌های بزرگ نیستند؛ گرچه این بنگاه‌ها در تصمیم‌گیری مستقل هستند، ولی از نظر سرمایه و کمک‌های فنی به شرکت‌های مادر وابسته هستند. (بانوک: ۱۹۸۱، ۱۰)

نظریه‌های اقتصادی در رابطه با SME

در مباحث مربوط به تحلیل اندازه سازمان‌ها، دیدگاه‌های اقتصادی مختلفی تاکنون مطرح شده است. در دیدگاه‌های مطرح شده در این زمینه، دست‌های به تعیین اندازه بهینه یک شرکت خاص می‌پردازند و نظریه‌هایی در این زمینه ارائه می‌دهند و دسته دیگر به توزیع اندازه شرکت‌ها در یک صنعت پرداخته و چگونگی ایجاد ترکیب مناسب از صنایع بزرگ و کوچک را مورد توجه قرار می‌دهند. در برخی دیگر نیز هردو یعنی تعیین اندازه بهینه یک سازمان خاص و توزیع مناسب شرکت‌ها مورد توجه بوده است.

همچنین صنایع زودبازده در بازار صنعت به صناعی گفته می‌شود که حداکثر بین یک تا دو سال به نتیجه رسیده و شروع به سودآوری کند. (سعیدی: ۱۳۸۶، ۵۰)

اهداف طرح‌های زودبازده

هیات دولت بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک اقتصادی و زودبازده را در آبان سال ۱۳۸۴ به تصویب رساند. هدف از آیین‌نامه ساماندهی فعالیت‌ها و حمایت دولتی در زمینه گسترش بنگاه‌های اقتصادی زودبازده برای دستیابی به مقاصد زیر است:

اهداف اجتماعی:

- توزیع عادلانه منابع در مناطق به ویژه در مناطق محروم
- توزیع عادلانه منابع بین قشرهای مختلف مردم به ویژه مردم محروم تر.

اهداف اقتصادی:

- افزایش تولید و صادرات غیرنفتی
- تقویت تحرک اقتصادی
- افزایش کارآیی تسهیلات بانکی
- تقویت کارآفرینی، اشتغال زایی و افزایش فرصت‌های شغلی
جدید (آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های زودبازده و کارآفرین)

خواستگاه طرح‌های زودبازده:

این طرح، طرح جدیدی نیست. در بسیاری از کشورهای دنیا به ویژه شرق آسیا از جمله مالزی و اندونزی به آن توجه زیادی می‌شود. بحث بنگاه‌های زودبازده که تحت عنوان بنگاه‌های کوچک و متوسط (SME) معروف و مطرح هستند به اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ یعنی زمانی که بحث‌های توسعه مطرح می‌شود، بر می‌گردد. علت عمده که به بنگاه‌های کوچک و متوسط توجه می‌شود بیشتر مساله کاهش فقر و ایجاد اشتغال است. همه کشورها در مقاطع خاصی به این بنگاه‌ها توجه داشته‌اند؛ کشورهای آمریکای لاتین زمانی که بحث توسعه مطرح می‌شود، یا کشورهای سوسیالیستی زمانی که خواستند بازارشان را به بازار آزاد تبدیل کنند و حتی کشورهای توسعه یافته‌ای مانند ژاپن، آلمان و فرانسه در یک مقطع خاصی توجه‌شان به سمت بنگاه‌های کوچک و متوسط بوده است. (آرمنش: ۱۲؛ ۱۳۸۵-۱۱)

تعریف SME

کمیته توسعه اقتصادی آمریکا کسب و کار کوچک را کسب و کاری معرفی می‌کند که دارای دست کم دو شرط از چهار شرط زیر باشد:
- از آنجایی که معمولاً مدیر یک کسب و کار صاحب آن نیز است،

۱- دیدگاه اقتصاد خرد (دیدگاه فناوری تولید):^۲

در این دیدگاه عوامل زیر تعیین کننده توزیع اندازه بنگاه ها هستند.
- نوع فناوری (میزان سرمایه گذاری برای فناوری)
- نوع ورودی های تولید از نظر غیر قابل تقسیم بودن
- نوع ورودی ها از نظر سازماندهی (توان مدیریت، اطلاعات و کنترل)

۲- دیدگاه هزینه مبادلات^۳:

در این دیدگاه فرض می شود که فرایند تخصیص منابع هزینه بر است و بر این اساس اندازه بهینه سازمان طوری تعیین می شود که دست کم هزینه انجام مبادلات در داخل سازمان با هزینه انجام همان مبادلات در بازار برابر شود. در دیدگاه هزینه مبادلات، عوامل زیر بر توزیع اندازه بنگاه های تولیدی تاثیر می گذارد:

- مسائل مربوط به ارزیابی ویژگی های کالاها مبادله شده
- مسائل فرهنگی مربوط به نحوه ارتباط شرکت ها با یکدیگر (بر اساس تقابل یا همکاری)
- هزینه دیوانسالاری ناشی از بزرگ شدن شرکت ها
- میزان سرمایه گذاری شرکت مادر در شرکت پیمانکار
- فراهم بودن زیرساخت و قوانین لازم برای همکاری میان شرکت ها
- محرک انگیزشی درون سازمان در مقایسه با محرک های انگیزشی بازار.

۳- دیدگاه سازماندهی صنعتی^۴:

در این دیدگاه عوامل زیر بر توزیع اندازه شرکت ها تاثیر خواهند داشت:

- نبود رقابت در بازار: در شرایطی که قیمت تنها عامل رقابت است، صنایع بزرگ به دلیل بهره مندی از اقتصاد مقیاس، توان بیشتری در رقابت خواهند داشت و صنایع کوچک در شرایطی بجا می بایند که حاشیه سود کمتری را انتخاب کنند.

- تغییر در سلیقه مشتریان: در صورتی که بازارها به اجزای کوچکی تقسیم شده باشند (مشتریان با خواسته های بسیار متفاوت وجود داشته باشند)، تولید انبوه دیگر اقتصادی نخواهد بود و صنایع کوچک بهتر می توانند پاسخگوی نیاز مشتریان باشند.

- نرخ تغییر در سلیقه مشتریان: در صورتی که انعطاف پذیری در مقابل خواسته مشتریان مهم ترین عامل رقابت در بازار باشد، شرکت های کوچک به دلیل ساختارهای ساده و سرعت بالا در تصمیم گیری، بهتر می توانند به تغییر تقاضا پاسخ دهند. لذا توزیع اندازه شرکت ها به سمت

صنایع کوچک سوق می یابد.

۴- دیدگاه مدل پویا^۵ در توزیع اندازه شرکت ها:

در دیدگاه مدل پویایی اندازه شرکت ها، مطرح شده که نوآوری عامل تعیین کننده در توزیع اندازه شرکت ها است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که نوآوری موجب رشد سازمان ها می شود و هر چه نوآوری در سازمانی بیشتر باشد، اندازه آن نیز بزرگتر خواهد شد.

در این دیدگاه صنایع به دو دسته صنایع بالغ^۶ و صنایع جدید تقسیم شده اند. در صنایع بالغ که دارای نظام های فن آوری تکراری^۷ هستند، منبع ایجاد نوآوری، تحقیق و توسعه است و با توجه به این که شرکت های بزرگ توان بیشتری در تحقیق و توسعه دارند، توزیع شرکت ها به سمت صنایع بزرگ گرایش می یابد. در حالی که صنایع جدید که در مرحله اولیه حیات خود قرار دارند و یا در صناعی که مبتنی بر مهارت کارکنان هستند، صنایع کوچک قابلیت بیشتری در خلق نوآوری خواهند داشت. بنابراین توزیع اندازه شرکت ها به سمت صنایع کوچک گرایش خواهند داشت. در حقیقت در این دیدگاه عوامل نوآوری و عمر سازمان بر توزیع اندازه شرکت ها تاثیر می گذارند. (کیمرام: ۱۳۸۵، ۶۰-۵۴)

۵- نظریه میل به تمرکززدایی در صنایع بزرگ:

در یکی دو دهه اخیر میل به تمرکززدایی در کشورهای صنعتی و واحدهای بزرگ افزایش چشمگیری داشته است و صنایع بزرگ به نحوی ترغیب به انتقال بخشی از فرایندهای تولیدی خود به بیرون شده اند.

علل تمایل به این پدیده عبارت است از:

- * ایجاد مانع در مقابل تمرکز بیش از حد کارگران در یک کارخانه
- * داشتن کنترل بر نیروی کار،
- * انعطاف ناپذیری تکنیکی و ساختاری در صنایع بزرگ و تلاش برای آماده کردن تشکیلات در پذیرش تغییرات لازم
- * محدودیت های قابل توجه در ظرفیت های مدیریتی و لزوم رشد همگن این ظرفیت ها با توسعه بخش های دیگر صنایع بزرگ (آدمیرال: ۱۳۸۱)

بررسی قابلیت ها و مشکلات SME با استفاده از مدل

SWOT:

درونمایه اصلی این مدل، جفت و جور کردن عوامل درونی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل بیرونی (فرصت ها و تهدیدها) برای بهره مندی از منافع نهفته در فرصت ها یا دوری از زیان های نهفته در تهدیدها است.

نقاط قوت:

- بنگاه های کوچک و متوسط از انعطاف پذیری بالایی برخوردارند.
- بنگاه های کوچک و متوسط پرورش دهنده نیروهای مجرب و متخصص برای بنگاه های بزرگ به حساب می آیند.
- مدیریت و کنترل بنگاه های کوچک و متوسط هزینه کمتری دربردارد.
- تامین تعادل های اجتماعی و منطق های از طریق جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ.
- مکان یابی بنگاه های کوچک و متوسط به سهولت و به نفع سیاست های منطق های دولت قابل انجام است.
- بنگاه های کوچک و متوسط غالباً متکی بر منابع داخلی هستند.
- تأسیس و توسعه بنگاه های کوچک و متوسط به منابع اندکی نیاز دارد.
- صنایع کوچک و متوسط بازدهی سریع تر دارند.
- صنایع کوچک و متوسط به محیط زیست توجه دارند.
- صنایع کوچک و متوسط به درونزا کردن دانش فنی تولید می پردازند.

- صنایع کوچک و متوسط به معرفی فرهنگ غنی کشورها می پردازند.

نقاط ضعف SME:

- مشکلات و موانع توسعه بنگاه های کوچک و متوسط را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: یک گروه از آن که به ماهیت این بنگاه ها مربوط است، به مشکلات درونی بنگاه های کوچک و متوسط معروف هستند و دسته دیگر مربوط به خارج از بنگاه ها بوده که آنها را تحت عنوان "مشکلات بیرونی" مورد بررسی قرار می دهیم:

۱- مشکلات درونی:

- ضعف مدیریت و مهارت ها و کمبود نیروی متخصص انسانی،
- ناتوانی در دستیابی به فناوری مناسب،
- دسترسی محدود و نابرابر به بازارهای سرمایه و اعتبار،
- وجود خریدهای انحصاری (انحصارطلبی)،
- ناآشنایی با مسائل کیفیت و استانداردها،
- کمبود سرمایه و توسعه نیافتگی نهادهای مالی مربوط به کسب و کارهای کوچک و متوسط،
- نابرابری در دسترسی به اطلاعات بازار، مشتریان و تامین کنندگان،
- صرفه جویی های ناشی از مقیاس

۲- موانع بیرونی:

موانع قانونی و حقوقی ریسک اعتباری^۸

تهدیدات

در مورد بنگاه های کوچک و متوسط، مهمترین مشکلی که وجود دارد، این است که بانک ها خیلی مایل یا راغب نیستند که به این بنگاه ها تسهیلات بدهند، زیرا بانک ریسک اعتباری را می سنجد و اگر بخواهد به چنین بنگاه هایی تسهیلات دهد، ریسک اعتباری بانک بالا می رود. در نتیجه موجب می شود مقدار دسترسی SME ها به منابع مالی کمتر از موسسات و بنگاه های بزرگ باشد. (آرمنش: ۱۳۸۵، ۱۳)

درباره ریسک اعتباری تعاریف گوناگونی ارائه شده است که چندان نمونه آن عبارت اند از:

- ریسک اعتباری عبارت است از احتمال کاهش توان بازپرداخت تسهیلات از سوی مشتریان.
- ریسک اعتباری عبارت است از معوق شدن تسهیلات
- ریسک اعتباری عبارت است از سوخت شدن تسهیلات (خالقی):

(۱۳۸۴، ۴۹)

رونق اقتصادی: فرصتها

توسعه صادرات:

توسعه صادرات در ایران اساساً به سمت بنگاه های بزرگ توجه دارد. برای ارتقای ظرفیت صادراتی بنگاه های کوچک و متوسط، اتخاذ رویه های تخصصی برای تشویق صادرات، می تواند توسط توسعه صادرات معرفی شود. چنین رویه هایی میتواند شامل کمک برای تولید محصولات با گرایش صادرات (شامل شناسایی و بهره برداری از مزیت های نسبی و رقابتی)، ساماندهی و تامین مالی مشترک جهت حضور بنگاه های کوچک و متوسط ایرانی در نمایشگاه های خارجی، حمایت از اتخاذ مجموعه ای از روش های ارتقاء بسته بندی و پشتیبانی در امر حمل و نقل و سرانجام کمک به بنگاه های کوچک و متوسط برای کسب سرمایه در گردش به منظور تامین مالی اعتبارنامه ها باشد. (یونیدو: ۱۳۸۴، ۳۲۱)

فرصت شغلی و درآمد:

صنایع کوچک و متوسط نقش بسیار مهمی در اشتغال زایی در سطح قابل قبول به ویژه برای کارگران با مهارت محدود و زنان کم درآمد دارند. بنابراین آنها نیروی محرکه مهمی را برای دستیابی پایدار به اهداف فقرزدایی فراهم می کنند.

با توجه به اینکه صنایع کوچک و متوسط به طور معمول بیشتر از صنایع بزرگ به تامین کنندگان محلی وابسته هستند، در نتیجه آنها به طور غیر مستقیم باعث ایجاد فرصت شغلی می شوند.

(همان: ۱۳۸۴)

بسیاری از وام‌گیرندگان، تسهیلات بانکی را به نام طرح‌های زودبازده می‌گیرند اما در عمل نقدینگی بانک‌ها را صرف خرید خودرو، دلالی، خرید و فروش کالاها و مصرفی می‌کنند که هیچ ارزش افزوده و بازده کارآمد و مطمئنی ندارند

نتیجه‌گیری:

در این بخش، داده‌های گردآوری شده از تعداد ۱۱۵ پرسش‌نامه تکمیل شده توسط روسای بانک‌های شرق تهران، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت، که نتایج آن به صورت جداول و نمودارهای آماری در ادامه ارائه شده است.

فرضیه اول: اجرای طرح‌های زود بازده باعث رونق اقتصادی می‌گردد.

جدول مقایسه میانگین نمره اجرای طرح‌های زود بازده در رونق اقتصادی با میانگین مورد انتظار در زیر آمده است:

میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	t
۲۲۴۵	(۹۰۱)	۱۰۸۴	-۶۲۹

یافته‌های جدول نشان می‌دهد t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد کوچکتر است. بنا بر این اجرای طرح‌های زوده بازده کمتر از سطح متوسط، باعث رونق اقتصادی می‌شود.

فرضیه دوم: اجرای طرح‌های زود بازده باعث ریسک‌پذیری بانک‌ها می‌شود.

جدول مقایسه میانگین نمره اجرای طرح‌های زود بازده در ریسک‌پذیری بانک‌ها با میانگین مورد انتظار در زیر آمده است:

میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	t
۴۱۰۵	۱۶۹۳	۱۰۶۴	۱۶۱۳۲

یافته‌های جدول نشان می‌دهد t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد بزرگتر است. بنا بر این اجرای طرح‌های زوده بازده بیش از سطح متوسط باعث ریسک‌پذیری بانک‌ها می‌شود.

فرضیه سوم: تاثیر نظام بانکی باعث توسعه طرح‌های زود بازده می‌شود:

جدول مقایسه میانگین نمره تاثیر نظام بانکی در توسعه طرح‌های زود بازده با میانگین مورد انتظار در زیر آمده است:

میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	t
۳۸۱	۱۶۹۷	۱۰۶۵	۱۲/۴۹

یافته‌های جدول نشان می‌دهد t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد بزرگتر است. بنا بر این نظام بانکی بیش از بیش از سطح متوسط در توسعه طرح‌های زود بازده موثر است. در بررسی‌های به عمل آمده، نقش و جایگاه بنگاه‌های زودبازده در رونق اقتصادی ایران به خصوص در اشتغال‌زایی و صادرات رو به کاهش بوده است.

بنابراین بنگاه‌های کوچک قادر نبوده‌اند دارای مزیت نسبی نسبت به بنگاه‌های بزرگ در توسعه اقتصادی کشور باشند و در مواردی حمایت از طرح‌های زودبازده و کارآفرین با ایجاد کارآیی همراه نبوده است. به طور مثال وام‌های ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومانی برای آرایشگاه زنانه، خیاطی و طرح‌هایی از این دست در شهرهای مختلف کشور، نه تنها اشتغال مؤثر ایجاد نکرده‌اند، بلکه با افزایش نقدینگی موجود در جامعه عامل افزایش تورم و مطالبات معوق بانک‌ها از مردم هستند.

به عقیده برخی کاشناسان، بسیاری از وام‌گیرندگان، تسهیلات بانکی را به نام طرح‌های زودبازده می‌گیرند، اما در عمل نقدینگی بانک‌ها را صرف خرید خودرو، دلالی، خرید و فروش کالاها و مصرفی می‌کنند که هیچ ارزش افزوده و بازده کارآمد و مطمئنی ندارند و در نتیجه مطالبات معوق بانک‌ها را بیشتر می‌کند و این دلیلی برای این است که بانک‌ها علاقه‌ای برای ارایه تسهیلات به صنایع کوچک ندارند. بنابراین برای پوشش ضعف‌های این چینی باید از توانایی و امکانات موجود در ایجاد بنگاه‌های کوچک و بزرگ به خوبی بهره برد.

بنابراین مشکلات صنایع کوچک مانند بسیاری از مسائل دیگر، به فقدان راهبرد هدفدار و بلندمدت مربوط می‌شود و این بنگاه‌ها نیز با مساله‌ای به نام "اجرا نشدن خوب و مناسب قانون و مقررات" روبه‌رو هستند. از این رو مساله اصلی در رفع موانع و کمک به ارتقای بنگاه‌های اقتصادی کوچک و زودبازده بسترسازی و مقررات‌زدایی است و ما پیش از تصویب و اجرای مقررات جدید باید وضع موجود را از طریق اصلاح یا حذف بخشی از موانع بهبود

منابع فارسی:

- آرمش، ه.، ۱۳۸۵، خاستگاه مشکلات و قابلیت‌های طرح‌های زودبازده و کارآفرین، مجله بانک صادرات ایران، شماره ۳۹، ص ۱۰ تا ۱۰
- آدمیرال، پیاج، ۱۳۸۱، نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن، ترجمه مجیدی، انتشارات خدمات فرهنگی رسا: تهران
- آیین‌نامه اجرایی گسترش نگاه‌های زودبازده، مصوبه هیات دولت، ۱۳۸۴-
- سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو)، ۱۳۸۴، استراتژی افزایش مشارکت موثر و رقابتی، ترجمه شقایق، بخش صنایع کوچک و متوسط در توسعه اقتصادی و صنعتی جمهوری اسلامی ایران انتشارات وزارت صنایع: تهران
- سعیدی، ش.، ۱۳۸۶، صنایع بزرگ پیش مرگ صنایع کوچک، شماره ۱۷۲، ص ۵۰
- کیمرام، ف.، ۱۳۸۴، نقش صنایع کوچک و متوسط در توسعه صنعتی، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف: تهران
- فیض‌بخش، علیرضا، ۱۳۸۴، اهداف برنامه‌های توسعه کارآفرینی و کسب و کار کوچک، مجله رهیافت، شماره ۲۱، ص ۴۳ تا ۴۸
- همدانی، علی‌الله، ۱۳۸۶، چرا کوچک چرا زودبازده، مجله کارآفرین، شماره ۵۰، ص ۳۹ تا ۴۰

منابع انگلیسی:

- Bannoc, C., 1981, the economics of small firms, Oxford uk basil black well
- Black ford, MG., 1991, small business in america, a historiographic survey the history review, Vol. 65, No. 1, pp. 1-26
- Clark, D., 1972, small business how they survive and succeed, Newton abbot uk
- Rothwell, R., Dodgson, M., 1994, innovation and size of firm in the handbook of industrial innovation, eds. verment Edward elder publishing

پی‌نوشت‌ها

- 1-Microeconomic Approach
- 2-Technological Approach
- 3-Transaction Cost Approach
- 4-Industrial Organization Approach
- 5-Dynamic Model Approach
- 6-Mature Industries
- 7-Routine Technological Regimes
- 8- Credit Risk

بیخشیم. زیرا توسعه اقتصادی و اشتغالزایی در کشور ما بیش از هر مساله دیگری به تدوین سیاست‌های اجرایی و استراتژی بلند مدت نیازمند است

پیشنهادها:

- بانکها باید طرح‌های زودبازده را بررسی کرده و از ارائه تسهیلات به طرح‌های غیر موجه خودداری کنند.
- مشاغل زودبازده اشباح شده را از هم تفکیک کرد، مثلاً از اعطای تسهیلات به مشاغلی چون آرایشگری، خیاطی، کامپیوتری که دارای سوابق تجربی خوبی نیستند، خودداری کرد.
- کارآفرینانی را که در شرایط نامناسب اقدام به راه‌اندازی واحد تولیدی کرده‌اند شناسایی و جلساتی با آنها برگزار شود و حمایت‌های لازم از کارآفرینان برداشته شود.
- در مورد صادرات کالا و خدمات تولید شده، با وجود محدودیت‌های متعددی که در امر صادرات مواجه هستیم؛ باید از قبل مشخص شود که این نگاه‌ها چه چیزی باید تولید کنند که امکان صادرات داشته باشد.
- هماهنگی لازم بین دستگاه‌ها برای این طرح به عمل آید. پیشنهاد می‌شود بین سازمان مدیریت و وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی و بانک‌های عامل یک توافق یکسان به وجود آید.
- نظارت کافی و دقیق در قبل از اجرای طرح، حین اجرای طرح و بعد از اجرای طرح باید انجام بگیرد.
- پیشنهاد می‌شود هیاتی برای نظارت بر نحوه و پیشرفت این طرح‌ها در کارگروه اشتغال که نمایندگان از سازمان‌ها و ادارات دولتی دست‌اندرکار هستند، تشکیل شود و گزارش‌های تهیه شده به اطلاع استاندار نیز رسانده شود.

